



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن قوانین - تصویب‌نامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرمان - انتصابات - آئین نامه‌ها - بخش نامه‌ها - آگهی‌های رسمی

شماره تلفن : ۵۴۴۸ - ۸۸۹۶ - ۸۸۹۵

شنبه ۲۸ شهریور ماه ۱۳۲۶

مدیر سید محمد‌هاشمی

سال سوم - شماره ۷۰۳

صفحه ۲۰۲۹

دوره پانزدهم فانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۹۸

روزنامه یومیه

فهرست مذکور جات

۱ - بقیه صورت مشرح مذاکرات شانزدهمین جلسه دوره
بانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۴

۲ - آگهی‌های رسمی ۱۵

آقای سهیلی که وزیر امور خارجه وقت بود در آنجا
تمدکر مبذده که نفت خوبیان و مضافاتش را را
سابقاً به خشتاریا نامی داده شده بود (و آن جریان
مفصلی دارد که آفایان می‌دانند) تقاضا کرده بود که
پایاند وارد مذاکره شویم آقای سهیلی که آن موقع
وزیر امور خارجه بود دریک نامه‌ای که بسفیر کبیر
آن موقع شوروی مبنی‌بود که در پروتکلهای آن
همه‌نامه موجود است می‌نویسد که مانسابت با اینجا

جلسه ساعت هارده و بیست دقیقه صبح روز دوشنبه بیست و سوم شهریور ماه
بر ریاست آقای ایلخان (نائب رئیس تشکیل گردید)

فهرست مذاکرات :

- ۱ - بقیه مذاکره در اعتبار نامه آقای ارسنجانی .
- ۲ - تهطیل مجلس بعنوان تنفس .

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۶

نایب رئیس - چون جلسه قبل بعنوان تنفس
ختم شد لذا آقای ارسنجانی بقیه مدافعت خودشان
شد و اخبارش بوسیله خبرگزاری رویتر و سایر
خبرگزاری‌هادر دنیا پخش می‌شد موضوع هم این
بود که دول انگلیس و امریکا دور هم نشسته بودند
و می‌خواستند متابع نفتی دنیا را بین خودشان تقسیم
کنند . وقتی این خبر منتشر شد روی اطلاعاتی که
من از جریان مذاکرات دولت داشتم بانماینده های
کمپانی های امریکائی و بیش بینی که می‌کردم از
او ضایع سیاسی آینده مولکت . یک مقاله منتشر کردم
که در آن موقع اسباب تعجب همراه بود مثل موضوع
آن مقاله اعلام جنک بنده بیش بینی کرده بودم که
الآن دنیا در حال جنک است و مادر جوار یکدلوانی
قرار داریم که آن دولت هم صاحب نفت است و
دها وی نسبت باما داشته دعاویش این بود در وقتی
که بیان ۱۹۴۲ بیان اتحاد بین ایران و آنستله
تلون سیاسی بنده بود راجع به پیشنهاد اعلام جنک
بدول محور و مقالانی که علیه متفقین بوده به زمین
آقای ذوالقدری آنها راهم توضیع دادم و حتی
مقالاتی هم اینجا خوانید . در این جلسه به مسئله ای
که ایشان بهش اشاره کردند و حائز اهمیت است
شوروی انگلیس بسته شد در پروتکل های ضمیمه
قرار داد یک نامه‌ای سفیر شوروی مبنی‌بود برای
بفرمائید . موافقی که روزنامه داریا منتشر می‌شد

• هم بقیه مذاکرات مشرح شانزدهمین جلسه از دوره پانزدهم فانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس ۱

این قبیل عنان گشیده بود که آقای ناصر ذوالفاری خیلی با حرارت فرمودند و آندرابینه تعقیب کرد که الان در عدله مشغولیم عرض کنم موضوع نفت را بمنه میغواهم عرض کنم در آنوقت روزنامه من توقيف شد رفتم پیش فرماندار نظامی وقت (اسمش رانمیاورم) بهش گفتم آقا روزنامه داریا توقيف شده گفت بلی توقيف شده گفتم اگر چیزی دارد که برخلاف مصلحت مملکت است که شما تشخیص میدهید و یا به کسی اهانت کرد بفرستید به محکمه و این راه هر ضمیم کنم که مایه اختخار من است که در تمام دوره روزنامه داریا، سه سال روزنامه می نوشتم یک نفر از من شکایتی در عدله نکرد و یک پرونده شخصی من ندارم، سفارتخانهای خارجی همچنان شکایت کردند سفارت شوروی، انگلیس، امریکا، ترک، تاجیک همچنان شکایت کردند خطر دارد با اینکه گفتند هست مسائلی هم کمورد شکایت است الان در روزنامه هست ولی یک نفر برعلیه من شکایت نکرد چون من بالشخصی کاری نداشت و بکسی فحش نداد آن موقع گویا یک نامه ای سفارت انگلیس می نویسد برای نخست وزیر وقت که جناب آقای ساعد بودند ایشان هم رونوشت نامه را بایک کاغذ رویش می گذارد و مینویسد بفرمانداری نظامی - فرماندار نظامی که اهل سیاست نبود، یک سرباز ساده ای بود وارد این کارها هم نبود وقتی که من بهش گفتم چرا روزنامه را توقيف کردید بدون حکم محکمه گفت من حاضر روزنامه را بفرستم. یک شکایتی از شماشد نامه رادر آورد نشان داد متن نامه سفارت انگلیس را که این جاست بعد چاپ شد. حالا می خوانم. عرض بکنم در این نامه سفارت انگلیس همانطوریکه میل آقای ذوالفاری است خیلی اعتراض شدید نسبت بمن کردند و گفته بودند که این روزنامه بسیار بسیار بداست و یک جمله عجیبی هم در آن کاغذ بود نوشته بودند که اگر شما تصور میکنید که این قبیل انتشارات در ذهن اکثریت غیر محترم مردم تأثیر ندارد اشتباه میکنید متن کاغذش هم هست بمنه وقتی که این کاغذ را دیدم خواهش کردم از آن آقای فرماندار نظامی که دوستی را شما بفرستید بدادرسا که موضوع تعقیب شود چون تعقیب کرده بود و در مردم هم حرف زده بود گفته بود که من دارم کتاب فرمانروانی انگلستان در هندوستان را چاپ میکنم که پسرر انگلستان است آن چیزی که من چاپ میکنم باز الان موجود است مانوشه بودیم کدولت انگلستان مستقر شده و مستعمره اش کرده و چند دقیقه پدر مردم را درآورده و گفته که استقلال میدهم و نداده است خوبست مستقل بشود و ول کمند اینسا و این البته حالا اجرا شد، یا ظاهراً یا باطنًا، در هر حال این کاغذ را نوشته من عنن گذاشت را حالا برایتان میغوانم: «آقای نعسنت وزیر محترمًا وصول نامه جنابعالی بهماره ۱۰۰۹ مورخ ۲۲ تیر ۱۳۹۰ه در باب بعضی مقالات ضد انگلیسی که در مطبوعات تهران درج میشود اطلاع میدهم در حالی که از اصلاح مندرج در بنده شوم نامه مزبور مبنی بر اینکه حال تعلیماتی بفرماندار نظامی تهران داده شده اطلاع حاصل کردم متأسفم از اینکه نمیتوانم با عقیده جنابعالی در باب عدم اهمیت این قبیل مقالات از نقطه خطر روابط انگلیس و ایران موافق نمایم. بالعكس بنابراین ایندیوانق دارم که از لحاظ حفظ روابط انگلیس و ایران اقداماتی را که آن جناب با آن اشاره میفرماید در حقیقت و بغيریت مؤثر واقع شود موقع رامقتنم شمرده احترامات فاتحه را تجدید مینمایم. بالعكس

روزنامه‌رسی کشورشاهنشاهی ایران

سال سوم - شماره ۴

۱۳۲۳ . یک مقدمه کوتاهی دارد از اینج
میکنم « هر قدر مانسبت باهمیت نفت بی اطلاع
بیشتر میتواند استفاده کننداین است که برعلیه
اجانب ما باید پکوشیم دو درجه اول قیمت
بدانیم و اهمیت واقعی آن را بشناسیم امروز
کسانی که بما پیشنهاد تقویضی امتیاز اس
نفت میکنند غیر از نماینده گان کیانیهای^۱

دیگران هم هستند و تعامل پیشتری هم نشان
حقیقت امر تجارت و سوداگری نیز با حکم
که در میان مشتریان آنکه بهتر و نقد تراست
کنیم « خلاصه مسائلی است که اگر حوصله
باشید من تمام سرمهقات را برای آفایان م

یک جریانی برای من بیش آمد استدها میکنم
یکقدری توجه بفرمایند در ضمنی که این من
مربوط به نفت را من مبنوشم یکروز در دفتر
بودم دونفر آقا آمدن آنجا در همان مو

روزنامه منکس شد تشریف آوردن و گفته
تو چرا راجع به نفت داری چیز مبنویسی «
دانده باز تذکر میدهم وقتیکه من مسئله نفت را در
شروع کردم فال اساتیدی که بنده کمال ارادت

دارم به بنده علی‌گفتند نفت اهمیتی ندارد در دنیا
که آدم چند مقاله در روزنامه صرف اینکا
نامه هایی به نماینده گان مجلس نوشتم که

نوشته اش رامن اینجا قرائت میکنم و جوان
کردیم برای آفایان نماینده گان میخواهیم «
تصور میکنم که موضوع نفت پیشتر از آن
دارد که بسکوت بگذرد این وظیفه نامه نگار

که اذهان عمومی را راجع به نفت روشن
و مانع از این شویم که ملت ایران در مقابل
انجام شده ای قرار گیرد ما تاکنون با تمام
خود سعی کرده ایم اهمیت نفت را بملت ایران

بدهیم شما هم میتوانید در این خدمت ملی ش
کنید » این یادداشت رامن برای روزنامه ه
ویک یادداشتی هم بهمین مضمون برای نماینده
مجلس شورای ملی که از جوابهایی که بنی
یکی جواب آقای دکتر مصدق بود که تشریف

و منتشر را نمی خواهیم یکی هم از آقای دشت
که نیستند و منتشر را نمی خواهیم یکی هم
آقای حاذقی بود که مختصر آن نوشته اند و می
« هیئت تحریریه روزنامه داریا . در سرمهقات

راجع به نفت شمال حقایقی مندرج گردیده
مالحظه گردید از مرائب وطن برستی هیئت
آن روزنامه متشرکم که در این مسئله سپار
واساسی وارد بوده و بنده بهم خود موافقت

نمود که در اولین فرست نظر همکاران خود
مسئله حیاتی جلب نمایم که هیارت از حفظ
ایران از منع عقد قرارداد جدید تأمین نمایم اب
حاذقی نماینده مجلس شورای ملی این یاددا
که برای من رسیده بود که عرض کردم چور

دستورات فراوانی خواهد دید . ملت ایران خلی
خوشقت خواهد شد که یکروز بشرکت خودمنابع
نروتی ایران مورد استفاده قرار گیرد و اوران و تمند
سازد پیشتر خوشقت خواهد شد که اگر آنروز،
امروز یا فردا باشد ولی تجربه تلحیخ قرن اخیر بما
در شهای عبرت انگلیزی آموخته است . تجمیل امتیاز

برای یک کمیانی امریکانی باسانی میسر نخواهد بود
مگر آنکه بتواند نظریات رقبای اقتصادی خویش
را تأیین کند اگر هم ظاهر امر حکم میگردد که دادن
این امتیاز باین شرکت برای ما محظوظ سیاسی و

اقتصادی نداشته باشد باید حتم داشته باشیم که با
ورواد مأمورین استخراج شرکتهای امریکانی با
دوره جدیدی از مبارزه های شدید سیاسی و اقتصادی
دست بگیریان خواهیم شد و معلوم نیست با چه

وضعیتی از این میدان کارزار که صد درصد بضرر
ما و بنفع دیگران است بیرون خواهیم آمد « این
یک قسمت از اولین مقاله ایست که من درین زمینه نوشته
ام هم باز مقاله دومی است تحت عنوان « بردۀ ها بالا
میروند » موقعی است که دولت آقای ساعد خبر و رود

یا حرکت مستشارهای نفت امریکانی را منتشر کرده
بود بعد از اینکه آن خبر را نقل کردم این طور
نوشتم : « این خبر را دیروز دولت تصادفاً یا

عنوان جواب غیر مستقیم به سرمهقات دیروز مامتنع شر
کرده است یعنی اطلاعات مساواهی بر وجود
فعالیت های زیاد نماینده گان کمیانی های امریکانی
برای تجمیل نفت تأیید کرده و حتی برخلاف انتظار
ما اطلاع داده است که دولت از پیش دو نفر از

مشهور ترین رجال اقتصادی امریکا را برای مشاوره
در امر نفت بایران خواسته است » بعد باز یک
مقدماتی دارد این جا میرسیم و مربوط به مستقر
هووو است « درینصورت هلت اینکه ملت ایران را از

جریان این مسئله مهم حیاتی غافل و بی اطلاع نگهداشته
اند چیست و باید ما یکبار دیگر هم در مقابل عمل

انجام شده ای قرار گیریم و تسلیم سرنوشت شومی
شویم که بدست زمامداران ما برای ماسته به شده
است معلوم نیست نماینده گان مجلس شورای ملی در

طی جلسات متعدد خود چه کاری انجام میدهند (بعد
بازیک چیز دیگری است) آیا دسته بندهای سیاسی
مجلس که در هفته قبل قیامه بارلمان را بکلی عوض
کرد بستگی نام با موضوع نفت ندارد (این مربوط
به عوامی آقای آفاسید ضیاع الدین است) بهر حال در

این گیر و دار و گرفتاریهای داخلی و خارجی که
مسلمان بیشتر آن تعداداً از طرف مقامات ذینفع اتخاذ
شده است مسئله نفت و تمویض امتیاز آن در درجه
اول اهمیت قرار گرفته است ممکن است نماینده گان
بگویند نتیجه مذاکرات را دولت با اطلاع مجلس
خواهد رسانید و امتیاز نامه اگر باید داده شود مورد
تصویب مجلس قرار خواهد گرفت بنا بر این وقت

بان زبانهای بکه خودم میدانستم خوانده ام و آن
زبانهایرا هم کنیدانستم داده ام ترجمه کرده اند
و خوانده ام و این از آن موقعی بود که بنده مدرسه
متوسطه میرفتم مدرسه سن لوثی تهران میرفتم این
کتابها را من میخواندم و یاد داشتم ای زیبادی داشت
این باره دارم ، اطلاعاتی که راجع به نفت داشت
یعنی بواسطه علاقه ایکه در این موضوع داشتم من
اهمیت این موضوع را بیش از این درک گرفته بودم
کتابهای جنگ گذشته کطبع و تهیه شده هم را خوانده
نطق های کلماتو هم را من بخطار داشتم و وقتیک
کنفرانس فنی واشنگتن تشکیل میشد من بلشماله ای
نوشتمن و نوشتم کدولت ایران الان به چه من الوجه
با همچنین کمیانی خارجی راجع به نفت مذاکره
نمایند بکند ، برای اینکه اگر اینکار را بکند دولت
شوری خودش الان یک یا مذهبی مالک نفت دار
دیاست و چون در آن کنفرانس شرکت نداده اند
این را کسبون نشان خواهد داد و منطقه را کسبونش
هم جزایران هیچ جا نمیتواند باشد برای اینکه
ملکتی که نفت خیز باشد و دولت شوری بتواند
در آنجا نفوذ داشته باشد غیر از ایران جانی نیست
مقالاتی که من درین زمینه نوشتم یکی دو سه تاز
آنها را چند قسمتی را برای آقایان میخوانم و
این را هم ضمناً عرض میکنم که من در ضمن مسائل
مربوط به نفت مقالاتیکه منتشر میکرم و وضعیت
نفت را شرح میدادم و بعد از همچنان درست در آمد
یک سلسه مقالاتی هم راجع به کیفیت امتیاز نفت
جنوب نوشتم که آن مقالات البته نماینده های شرکت
نفت را خبلی عصبانی کرد چون این مطلب را هم
بنده زیاد لازم نمی بینم گفته شود آن دارسى معروف
که امتیاز گیرنده اصلی بود از ناصرالدین شاه
امتیاز او را یک مأمور آگاهی انگلستان (امیر-
تیمور و مکی — در زمان مظفرالدین شاه) بلطف
مظفرالدین شاه ، آن مأمور بصورت کشیشی در میان
و باداری همسر میشود و استنادش را از او میدارد
و استنادش هم هست که چاپ کردن (آشتبانی زاده)
اسمش چه بود ؟) اسمش هم سبدنی و یک چنین
اسی بود . اسمش هست توی کتابها . عرض کنم که
در ضمن مقالاتی که بنده راجع باهیت نفت خطاب
بدولت نوشتم مقالایست در دوشنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۲۴ (

من باب کنایه هم یک همچو حرفاً ای بزید مسائل سیاسی دنیا باز نبست کشما تصور به جریانات اتفاق افتاد در این شش سال چنانکه اش که اراد سیاست مملکت ما بودند و اشخاصی خارجی را بدقت مطالعه میکردند خوب مید مسائلی اتفاق افتاد در سیاستهای خارجی سیاست مملکت فوراً که تادریسه روز قبل از آن از آن اطلاع نداشت و بعلاوه چه حسابی کوچتی کنفرانس نهادی و اشنکنی که آنچه اشکله بیاند بن بگویند که تو بردار مقاله بنویس یعنی کن دو سه ماه دیگر یک آدمی خواهد با ایران موضوع آفای کافتا را از هم ساعد که آنوقت رئیس وزراء بودند از هم اطلاع دارند و الان مصلحت مملکت نیست بگویم و مذاکراتی را که چند نفر از آن نمایند گان از جمله آفای مسعودی، آفای مو چند نفر دیگر از آفایان با کافتا را از هم برای آفایان عرض کنم. یک چیز دیگر اینجا میکنم و آن این است که تا اینجا که من ایستاد در تمام مدت این شش هفت سال هر کدام از آن یک مرتبه مرا در سفارت روس، انگلیس، ام زاپن و ترک و تاتار دیده باشند تمام حرفاً را تصدیق میکنم؛ اعتقادی من برای خودم و آن این بود که میگفتم در مواجهه با یک سیاست خارجی ما که چیزی نداریم با تعجب خواهد او بما تعجب خواهد کرد، بعض اینکه من خارجی را بینم با من خوش بش میکنم، همین از من خواهش میکنم که فلاں نکته را نتویس نتویسم مأخذ بحیا میشوم یا اگر بنویسم؛ دشمنی کردم با آنها ملاقات کنم که با یک حاضر نشدم با آنها ملاقات کنم که این محدود را خود کنم، بروید بپرسید که ریخت مرا دیدند؟ و یا با من مواجه شدند؟ در این مدت دردو جلسه مطبوعاتی من رفتم یکی مطبوعاتی ویکتوری هوس یکی هم و کس، یکی کردم. راجع به نفت مسائل دیگری هست چون به مملکت ماست من مصلحت نمی بینم آنها را (صحیح است) چون صحبت هائی که گفته خ شد ممکن است اتخاذ سند کنند، کسانی که خارج از مجلس هستند و نظر دارند من هر ض کنم و از شیخ میگذرم آفای ذوالفقاری اگر اطلاع پیشتری در این زمینه میخواهند با آفای ساعد و کنند و از ایشان بیرون سند مطلب دیگری که با اینجا عرض کنم موضوع آذربایجان است، یکی رفقاء ایمان یادداشتی به بنده نوشته اند که موضع اقامت ازتش بیگانه را که بنده دعوت کرده در ایران بمانند قبلاً بنده روشن کنم و حال ر میکنم عرض کنم آفایان نظرشان هست آفای سید ضباء الدین وقتی که وارد ایران شدند یکدست با آفای سید ضباء الدین (یکنفران نمایند ۰۰۰) کی آورد آقا؟ از آفای ناصر ذوالفقاری به خواهش میکنم آفایان درست توجه بفرمائند سید ضباء الدین وقتی وارد ایران شد یکدست از دم ایمان ملکت، علیه سید ضباء الدین

لاموت این انتظارات را تکذیب نمایم سرت را بلند
دار و برای ایران زنده و پایانده باش» (یکی از
نماینده‌گان — آفرین) این مقاله‌ای بوده است که آن
وقت بنده در مدح دمکراتهای آذربایجان نوشتم.
یک مقاله دیگری هم روزنامه آذربایجان ارگان
فرقه دمکرات آذربایجان نوشته بود و نوشت «بود
که نظامی ترک بوده و غرضش هم از ترک بودن
قفقازی بوده باز اینجا من یک مقاله ای نوشتم آن
موقعی که آقای ناصر ذوالقدری در وزارت خارجه
یقیه آهاریشان را محکم میکردند (خنده نماینده‌گان)
یک مقاله‌ای نوشته بود آقای دکتر افشار مدیر مجله
آینده جواب داده بود، روزنامه باد کوبه ای که
نوشت «بود نظامی اصلاح ترک است و باختخار آن هم
یعنی قفقاز است. و اول اینرا تند کر بدمع هیچ وقت
من در مورد آذربایجانی‌ها لغت ترک را بکار نمیرم
(صحیح است) و هیچ وقت نمیگویم که اینها ترک‌اند
(صحیح است) زبان آذربایجان که الان در آذربایجان
متداول است هیچ ربطی به ترکی ندارد و آن
اختلافاتی کشده است در اینمدت میدید اینست که
من ترک که میگوییم غرض معلوم است (برزین)
فارسی‌های ترک زبان هستند (خنده نماینده‌گان)
(زنگ رئیس) وقتیکه آن مقاله را آن روزنامه
باد کوبه ای مینویسد مجله آینده آقای دکتر افشار
یک جوابی با آن داده بوده است آن مجله آینده‌را
روزنامه آذربایجان مال فرقه دمکرات گرفته بود و
شروع کرد به فحاشی بدکتر افشار اینست مقاله‌اش
آن دلیس — آقایان خواهش میکنن از جلسه خارج
نشوید، از اکثریت نیزندازید) در آن
روزنامه آذربایجان که ما ترجمه اش را چاپ
کردیم و در معرض فروش گذاشته شده است نوشته
شده: علت چیست که افکار کهنه دکتر افشار تجدید
شده است، بیست و پنجسال بیش از این فلان افتدی
جهه چیزهای باوگفته است بیاد آوردم بعداز خرابی
بصره ذن آسا از پس پرده «خاک توسر» دشمنان
میکنند. این مقاله را دکتر افشار نوشته و روزنامه
آذربایجان بعد جواب با آن داده بود، مقاله‌روزنامه
فرقه دمکرات بقول خودشان دمکرات فرقه‌ی عنوان
حمله با آقای دکتر افشار مدیر مجله آینده را دارد.
نظریات مختصری که امادر مطالعه سطحی این مقاله
ممکن است بدھیم در زیر مینکاریم ضمناً انتظار
داریم که آقای دکتر افشار که یکی از رجال
بر جسته و دانشمند ایران هستند جواب کافی به
نویسنده‌گان آذربایجان بدهند. بعضی ملاحظات
نسبت بمقاله روزنامه آذربایجان، این که اشعار
نظماً ادای دلیل بر ترک بودن آذربایجان آورده خبلی
سخیف است نوشته بود که نظامی اشعار ترکی هم
گفت، این هم دلیل ترک بودن آذربایجان و هم
دلیل ترک بودن او نیست زیرا اولاً اران غیر از
آذربایجان است و بهمن دلایلی که آقای دکتر
افشار در مجله آینده ذکر کرده و ثانیاً در آن
ایام اران هم جزء ایران بوده، نظامی ایرانی است
بعلاوه اگر در آن ازمنه بعضی اشخاص در آن
نظامی تر کی صحبت میکردند هیچ بعد نیست زیرا
همه میدانیم که قبل از حمله مغول باز بارها ترکها
با ایران حمله کرده‌اند و از زبان و حشیگریهای
خود در این کشور نمود و آثارداشته‌اند و استنباط
و استدلال آن روزنامه هم از اشعار نظامی باشکه

(یکنفر از نمایندگان - احست) (بلا و همازاعلامیه های حزب
دموکرات معلو می شود که هدف اداره کنندگان آن خلیلی
محدود و خلیلی کوچک است آذربایجان هیچ وقت تا
این اندازه خود را کوچک نشان نداده بود و مسلمان
این آذربایجان نیست که امروز حاضر شده است
مصالح ایران را زیر پا گذاشته در ضلب آسایش
خود باشد بلکه این عده محدودی هستند که تجت
تأثیر احساسات تند و شدید خود قرار گرفته تذک
نظر شده اند آذربایجان همیشه انتخاب این را داشته
است که در مجهن برستی و آزادی خواهی پیشقدم سایر
ایرانیان بوده و قیام هان دلاورانه آن برای نجات
ایران از چنگال استبداد و استعمار خارجیها بوده
است این فیلمهای مردانه و این افکار بلند مردان
وطنزبرست آذربایجان بود که ایرانیان دیگر را نیز
تعزیز میکرد و هنگامی که مدعای آزادی خواهی و
قیام ملی از تبریز بر میخاست مردان وطنبرست و
دلاور گیلانی، خراسانی، فارسی، اصفهانی آنرا
لیلیک میگفتند قیام آذربایجان برای مشریوطی ایران
و خلیلی محمد علی میرزا که بسر برستی سرداران
بزرگ ملی ایران ستار خان و باقر خان آغاز شد
از طرف گیلانیها تقویت گردید و بختیاریها نیز
برای یاری هموطنان آزادی پرست خود برآ افتادند
شیخ محمد خیابانی برای ایران فداکاری کرد و بهمین
دلیل بمحض آنکه قیام او در تبریز آغاز شد چنگلی
های گیلان باه تبریز گفتند در تهران جاید آزادی
خواه او را پیشیبانی کردند نهضت های آذربایجان
ناکنون پیچوچه جنبه محلی نداشته بلکه دارای
هدف عالیتر و بلند تری بوده است که آن خلاصی
ملت ایران از چنگ استبداد باشد (صحیح است)
این نیت پاک و این نظر بلند است که آذربایجان را
محبوب قلوب تمام ایران گردانیده و اگر بگوئیم که
بیش از تمام قسمت های ایران مورد علاقه و محبت
ایرانیان از بندر آبادان تا چنگل ماصوله میباشد
اغراق نگفته ایم پس حق داریم بگوئیم که آذربایجان
هیچ وقت این نذک را نمی پذیرد که چشم از منافع
ملی پوشیده بقیمت از دست دادن استقلال ایران رفاه
و آسایش شخصی خود را طالب باشد (صحیح است)
ستار خان و باقر خان، شیخ محمد خیابانی که
امروز مایه افتخار ایران و حزب دمکرات آذربایجان
میباشند و فرقه مزبور در تمام انتشارات خود از
آنها نام میبرد برای ایران جانبازی کرده اند و اگر
قیام خود را در تبریز آغاز کرده اند هدف آنها تمام
ایران بوده است ما تعجب میکنیم از اشخاصی مانند
آفایان آقا زاده و شبستری که در انقلابات ملی
آذربایجان شرکت داشته اند و همیشه تفکر در
دسته حاضر برای جانبازی در راه آزادی ایران
بودند چگونه حاضر شده اند پس از یکمروز تبریز است
اینکونه نبات کوتاه و کوچک را پذیرند (این-
طرفداری از غرقه دمکرات آذربایجان است؟)
(خنده نمایندگان) مگر این غیر ممکن که برای
مبارزه با یان توانیم چنگ کردن و با یک حرس و
ولم و افری برای از یان بردن آثار چنگکنیزیعنی
زبان تر کی در آذربایجان فداکاری میکردنند، مگر
کسانیکه باشیوه های امیری بالستی همانیها که زبان
تر کی آذربایجان را دست آویز مقاصد شوم خود
پاک سکی بر خالک تو جاری گردیده اند ای آذربایجان

اولین مقاله‌ای که من راجع به نهضت آذربایجان نوی
مقاله است که حلال میخوانم و شماره اش راهم یاددا
کرده‌ام مقاله است در شماره ۹۷ روزنامه دار
شنبه ۱۰ مهر ماه ۲۴ تحت عنوان «آذربایجان
این مقاله چه موقعي نوشته شده؟ موقعي نوشته شد
یکمده زیبادی که الان ادعای آنها زیاد است داد
دست و بایشان را جمع میکردند. خبی هم با اح
صجهت میکردند، آخر فرق ما با آفای ذوالقة
این است که مادرانه وارد میدان میشویم هرجای
بخواهیم مینویسیم و با آفایان عرض کنم که اینجا
میخورند و باک میکنند و تمیز میشود و معلوم نمی
توانند. (خنده نمایند گان) بنده خوشحال کم
هست مقاله‌ای که بنده نوشتم برای حزب دموکر
آذربایجان که اعلام کردند «نهضتی اخیر آذربای
تحت عنوان فرقه دمکرات آغاز شده است (یکی
نمایند گان - تاریخش را بگویید) (سه شنبه دهم
ماه ۱۳۲۴) که در مطبوعات تهران بصورت مبالغه آمی
از آن یادمیشود بعضی از همکاران ما نچشیده قضای
شوری و یا بی نمکی آرا کردند و حزب دمکرات
توده را وسیله آن قرار دادند که مقاصد سیاسی خو
را در ایام حمله آذربایجانیها انجام دهنده غایبده
است که در این قبیل مسائل تعمق زیادتری لازم است
زیرا قضایت بدoun دلیل و منطق کامی اوقات مو
زیانهای جران نایبری برای مملکت میشود از
نوشه‌اند که فرقه دمکرات طرفدار استقلال آذربای
و تجزیه آن از ایران میباشد این روح تجزیه هم
که بزر از طرف جمعی آذربایجانیها تزویق می
و میخواهد آنها تلقین کنند بهیچوجه در آذربای
وجود خارجی ندارد یک شعار غلط حرب دمکرات
رسمیت دادن زبان ترکی است و سیله برای
جنجالها شده است برای بی بردن بنبایت یک جم
باید دید اداره کنند گان آن کیانند و هدف
واقعی آنها چیست چه میگویند و چه میخواهند
این اول فرقه دمکرات است حالا دیگر معامل
و برای همه آسان شده از مطالب که در جر
خاور نو ارگان سابق حزب توده تبریز و آذربای
ار گان فرقه دمکرات چاپ شده است این
فهمیده میشود که شعار تبلیغاتی این دمکراتها
است که تهران تا کنون توجهی آذربایجان نک
و با آنکه قسم اعظم ثروت ملی را از این نا
تهیه میکنند همیشه در نظر تهرانها فراموش شده
میگویند پس باید قطع امید از تهران کر
آذربایجان را مستقیماً تحت نظر انجمن ایالتی اد
کرد اگر فشار زمامداران فقط موجی بر
استقلال طلبی آذربایجان محسوب شود باید باید
فرقه دمکرات جدید یادآوری کرد که مازندر
ییشتر ذیحق است یا آذربایجان؟ رضا شاه یهلم
اگر باز آذربایجان ظلم کرد ولی مالک و رهیت آ
از میان نبرد در صورتیکه در مازندران پس از قلعه و
کلبه مالکین آنخوارا بد و دسته مزدور و اگذار ک
که یک دسته مزدوران رسمی و آمر بودند و د
دیگر رعایای مأمور. بعلاوه از فارس و کرمان گر
تا خراسان و تمام نواحی غربی از عدم رسیدگی کا
شکایت دارند پس باید آنها هم اجازه داد که هر ک
فردا حزب دموکراتی تشکیل بدهند و در زیرلو
استقلال طلبی کشون را دچار مخاطرات سیاسی میان

بهتر است خوانده شود) (مل مدنی — در مجله کفتند؟ نخیر من نتوهتم ام در جلسه علمی نوشتم مجلس شفته اند هر سکن مسائلی را که بنده در اینجا نوشتم (دکتر معظمی - آقای دیس رئیس در اینجا همانی که برخلاف مصلحت و مملکت است باید اینجا بدهید خوانده شود) (مسعود ثابتی — حالا شجاعیور نیستید بخوانید) (ملک مدنی - حکیمی باشد مملکت خدمت کرده است و خائن نیست) (یعنی اینکه کاینه آقای قوام السلطنه باید در مجلس معرفی بشود تبلیغ میکردم دلیلش هم این بود که من میگفتم آقای قوام السلطنه یک آدمی است که مسلمان در وطن پرستیش هیچگوی تردید ندارد (صحیح است) اما روسها میگویند حکیم الملک زیر نفوذ انگلیسها است آقای صدر زیر نفوذ انگلیسها است (ملک مدنی - نیستند) بنده نقل قول میکنم، اینطور میگفتند، هر سکن تنها حکسیکه بهش ایراد نداشتند از اینجهت و میگفتند زیر بار هیچگوی نمیروز آقای قوام السلطنه بود آن موقع اشخاصی در مجلس چهاردهم بودند و من نمیدانم بچه جهت سعی داشتند این وضعیت یعنی وضع تیرگی مناسبات ایران و شوروی پیش باید اصرار عجیبی کردند آقای حکیم الملک را یکدغه آمده بود مجلس خودشان آوردند خودشان را ایجادی داده بودند و یکمرتبه دیگر آمدند اینه کفتند و بیچاره یای بیاده رفت بمنزلش بار دیگر رفته بسلام و صلوات آوردنده مجلس و در موقعی آوردند که همه آقایان میدانند اوضاع مملکت روز بروز و خوبتر میشد اینجا اینجا صریحاً عرض کنم که در ایران دولتهای توپیت بشوند که مخالفت صریح خودشانرا با شوروی نشان بدند در صورتیکه ملت ایران با هیچ دولتی در دنیا شمنی ندارد (صحیح است) و این قضیه را با مدارک و ادله میخواستند ثابت کنند سریز بولار میخواست برود بمسکو کنفرانسی در مسکو تشکیل شده بود آقایان بادشان است بعضی از جراید تهران نوشتند. که: «آقایان اینها این وقایع را نکن تامن بروم و بگردیم این در دوره حکیم الملک بود و دوره صدر علیحده است که بعد از توانسته نکن تامن بروم و بگردیم این در دوره حکیم الملک بود که بحکیم الملک گفت در موقع کنفرانس مسکو (مسعود ثابتی - آقا اینجور نیست اسم بیوارید) همین است، چون اسامی دارد اینجا اجازه بفرمائید نخوانم پس از آنکه دکتر فلان... (ناصر ذوالفقاری - تبریز را بخوانید) تیترش؟ شراوهای انتقال باز هم جاز بانه میکشد، خوب شد، حکیمی ایران را به پر تگاه سوق میدهد، با توقیف جراید و خفه کردن مردم واژ میان بردن آزادی قیام ملی تحریص خواهد شد، این تیترش است «پس از آنکه دکتر طاهری در مجلس شورای ملی عیناً ظاهرا داشت کسر زیر بولار دستور داده است تما راجعت من کاینه حکیمی بماند یکبار بردهای بازی هبیت حاکم ماعوض شد، حکیمی که خود را تا آن تاریخ پشت پرده آزاد بخواهی و بیطرفی مخفی کرده بورای جلوه گریهای تازم و موقع را مناسب یافت سید ضیاء الدین مفتون معروف هم دلیل دیگری برای مخفی نگاهداشت روایت خود بادولت ظاهر الصلاح حکیمی نمید (ملک مدنی - شما گفتید در مجلس علیه، در مجلس علیه نبوده است) بنده نگفتم در جلسه علیه بنده هر سکن کردم در مجلس (باتمانقلیع).

ترتیب انکالی این ترتیب لاتینی که دیشه ما را زده و شاید اگر بهمین منوال پیش برود و اگر مامتنوچه نشویم نسل ما را منقرض کنند (صحیح است) این موضوع باید مورد توجه قرار بگیرد و تا روزیکه این کار نشده تا روزیکه ملت ما هنوز نتوانسته نقشه هائی بدهد و اشخاص را طوری تربیت کنند که مثل امریکا، مثل انگلستان که اصل حیات را مراعات میکنند یعنی آنطور بزرگ بشوند که بروند محیط را برای زندگی خودشان مناسب کنند نه اینکه بروند و در محیط فضای برون و نه و مضمون بسیار بازگشایی آنطور نشده ما جبوریم جوانهای را که خودمان بهمان کیفیت بار آورده ایم و این ها دست شکسته و بال گردند خود مانند نکوهشان داریم اینها تا از مدرسه درمی آیند همشان میزند بادارات بعضی از آنها که موفق بشوند وارد ادارات بشوند بعد از ۱۲ سال ۱۳ سال من اشخاصی را سراغ دارم در این مملکت که درجه دکترا دارند ۱۴، ۱۵ سال است دارند خدمت میکنند هیچ امتیازی از لحاظ اداری ندارند در صحت عملشان هیچ تردیدی نیست در صداقت و امانتشان هیچ تردیدی نیست فقط چیزی که هست این است که بستگی با یکی از خانواده های بزرگ ندارند (صحیح است). این عده افراد ملت این دسته جوانهایی که امید آتیه مملکت بهمین هاست و این جوان هایی که باید بعداً بیاند روی کار ما این دسته مردم را، باید مجلس ایران تصمیم بگیرد یا کار برای اینها پیدا کنند و تساوی حقوق را در مقابل قانون و عایت بکنند یا اصلاح و لکن این صحبت هارا و بگویند این جوان ها برگردند و تعمیلاتشان را فراموش کنند و بروند دنبال خیال خودشان در بین طبقات تحصیل کرده ما جوان های بسیار واردی هستند، کاملاً صلاحیت دارند که در تمام مراکز اداری و سیاسی مملکت قرار بگیرند و خانوارهایی هستند که ملت ایران با آنها افتخار میکنند که کرده اند به مملکت صلاحیت کمک بعمل کردا در این از خانواده اینها اشخاص بسیار جسته ای در اقتصاد و سیاست بینا شدند ولی این دلیل این نمی شود که چلو سایرین و یک عدد دیگر را سد کنند (صحیح است) مونوپول باید بشود. وقتیکه اعتراض باعتبار نامه من شد علاوه از آن جهانی که من فقط اشاره کردم و نیخواهم باز دیگر تند کر بدهم که اعتراض باعتبار نامه من چه سوابق قبلی از مجلس داشته و از چه مرآکزی اطلاع داشتم که مخالفت با اعتبار نامه من می شود قرار بر این شد که عمل مجلس شورای ملی را مامحل بسیار بسیار صحت گنیم انشا الله هیچ کس قصد غرضی نداشته بمن کنند آقای ناصر ذوالفقاری یا کنند آقا هادت کنید مردم را داخل حساب بیاورید، جوانهای تحصیل کرده مملکت را، این سیستم حکومتی را کمادر ایران داریم این سیستم حکومت طبقات ممتازه این دوام بینداخته کرد. (مهندسرضوی- طبقات ممتازه ای نیستند یک عده دزد هستند ۰) در انگلستان اروزیک رفورم اجتماعی شروع کرده اند در این رفورم اجتماعی آن یونان های سوسیالیستی را گرفته اند رویش عمل میکنند بنام طبقات بیچاره مردم و الان جلو گیری کامل میکنند از طبقات زیاده از حد نر و نمند آن مملکت، که حقوقشان

لایق صحت داشته باشد یعنی وقتی صدرصد گفتند و باز شد لا اقل پنجاه درصدش درست باشد من نمیدانم این اعلاءات را کی بشما داده بود ولی نمیدانم کی نوشته است آنها را یکشان یک غرض شخصی شاید با من داشته یک مسائلی را بشما گفته بود مثلاً گفته بود که بنده مدار ۲۱ آذر گرفته ام، مدار ۲۱ آذر را هر کس مهیگرفت افتخار میکرد، سینه اش را پیر میکرد عکسش را هم چاپ میکرد هم رادیویی تبریز میگفت هم روز نامه های تبریز چاپ میکرد بنده نه تنها مدار ۲۱ آذر نگرفتم بلکه مورد بعض شدید دمکراتها بودم و اگر یکروز بهران آمده بودند حساب مرا میرسانیدند. بیش از شما، آن روزی که بنده مبارزه میکردم با دمکرات های آذربایجان هیچوقت بیش خودمان حساب نمیکردم که یکروزی مجلسی خواهد شد و بنده تو شو و کیل بشوم آقای ذوالفقاری هم یکطریش را بگیرد و بر علیه من اعتراض نمیکنم، آنوقت بقدرتی مردم کمیچ شده بودند و فشار مسائل بقدرتی زیاد بود که وقت این را داشتند ما نمیدان رفته بودیم و صمیمانه به نفع مملکتمن مبارزه میکردیم به برای این که امروز بحساب شما یا بحساب دیگران بگذاریم - فدا کاری میکردیم. عرض کنم در قضیه آذربایجان افراد شما جنگیکنند و خیلی فدا کاری کردن فرقش این بود که اگر شطط جنگیکنند میرفتند املاکتان را تصرف میکردید اما ما یکوجب ملک نداریم ولی مملکت خودمان را دوست داریم . عرض کنم یک مستله ایکه من میخواهم در خاتمه عرایض خودم توضیح بدهم اینست من در تمام مدتیکه مقاله نوشتیم در روزنامه نبرد علت اینکه اسم مستعار انتخاب کردم برای خودم این بود بیرسید از رفای من هر وقت میدیدند که یک جوانی چیزی نوشته و چیز مهمی است وقتیکه میفهمیدند نویسنده آن جوان است میگفتند آقا این که مهم نیست برای اینکه حرفا یمان را بشنوند اسم مستعار برای خودمان درست میکردیم و در خارج انتشار میدادند که یک پسر مرد هفتاد ساله است فلان و بیسار است در ایران به انواع وسایل جلو ترقی جوان ها را گرفته اند و میگیرند (صحیح است) بنده در اینجا نظرم بآن دسته از بیش کسر تهائی آزادی ایران و بآن دسته از مردم روشنگری که الان درستین پیری هستند ولی صمیمانه باطبقه جوان کمک کرده و میگنند حق بزرگی بگردن جوانهادرانند نیست، مامات اداری در مملکت ما آقا مختص شده به خانواده های معین هر کس از اهل آن خانواده ها نباشد سنك جلو یايس میاندازند و نمیگذارند جلو بروند (صحیح است) در ایران میخواهند استعداد جوانها را بگشند (فولادوند - بهمن چهت شصت هزار و کلا در این مجلس اند) حالا من این توضیع را عرض میکنم مقصودم از اشخاصی نیست که الان لایق هستند و در مصادر امور هم هستند ولی غرض من یک بعث کلی در این مورد بخصوص است واتفاقاً این قضیه که بین ایندو دسته باشند مبارزه بین پیرو جوان عنوان شده بعقیده من منوانش غلط است مبارزه پیرو و جوان نبود و مبارزه ای بود که جوان ها میخواستند جلوی آن پیرو ها را بگیرند و یک

جمهوری و سرهنگ وزیری و سروان روزبه جهانی (قبادیان - گفتن اینجمنهای ایالتی گناه نیست) بندۀ که مخالف بودم تذکراتی که داشتم اینجا نمیشود، من چون اگر وارد متن قانون آنرا نمیشودم، اینجا بگویم میخواستم تذکر بدهم بعضی چیزهایی را اینجا بگویم بعضی از آقایان مصلحت نمیدارند اینجا اجرای آنرا نمیشود، من چون اگر وارد متن قانون آنرا نمیشودم، اینجا بگویم میخواستم تذکر بدهم اساسی بشوم الان بعضی از آقایان مصلحت نمیدارند اینجا اینجا بگویم میخواستم تذکر بدهم که اگر در یک جا از قانون اساسی صحبت از آن سلطنت شده بندۀ تسامح حرفاها را ایشان را قبضه دارم آقای ذوالفقاری خواستند یک موضوع مهم بین ترتیب ...

نایاب رئیس - آقای ارسنجانی کمتر در اینجا بحث کنید.

آقای ارسنجانی - در هر حال موضوع قانون اساسی نمیکنارند داخلش بشویم سروان خسر و روک عرض میکنند هر کس ادعا بکنند که من برای با اولاد بندۀ تمام فرمایشات شان را قبول میکنم اولاً من نه اورا دیده ام نه سیماش را اما آن دونفر دیگر را فرمودید با من رفیق هستند و در روز نامه دمقاتلاته مبنی شدند که ایشان فرمودند یعنی من گفته است که دادستان ارشت است حقوق اسیری دلوارا ترجمه کرده در مسائل حقوقی میکنند الان هم اگر مجرم بود نمیگذاشتند در مسائل بحث کنند و آن شخص دیگر هم فرموده ایشان فرمودند که وقتی این هم مربوط خیلی چیز های را رهایت بکنم این هم مربوط چیزهایی است که فرمودید، یک موضوعی را آقای امامی فرمودند و بندۀ میخواستم تذکر بدهم ایشان فرمودند که وقتی بندۀ در رشت بودم شهرداری رشت اقامت کرد، اگر جنابعالی آدمیتی تحقیق کرده در این مسئله پرسید خود را قائم مقام الملک بهتر میتوانند تحقیق کنند را باین موضوع پرسید اگر بندۀ یک ساعت هم شهرداری رشت بودم تمام فرمایشات شمارا قبول نموده ایشان فرمودید راجع بآن مطلب و سندیکه برای در آوردید و کمر مرآ شکستید بندۀ آنچنان شدند که آنچایش را دیده بود مصلحت نبود خود را آنچایش را دیده بودند بعد مضر و برا گرفته بودند و بندۀ میگفتند باید وجه الضمان بدھی تا آزاد شوی و ایشان را توپیک کردند این جرم است قبول دارم یک بیانیه هایی هم هست که آن من در رشت مبنی شدم و منتشر میکرد برای و در اینجا سرتایا برخلاف آنچیزی که آقای ذوالفقاری خیال میکردند مبارزه با نهضت آذربایجان است اهم قرائت نمیکنم و تقدیم آقای رئیس مجلس میکنم خیلی چیزهای خواندنی و گفتنی دارم اینجا چون سه چهار جلسه وقت آقایان گرفته شده بی ادامه نمیدهم همینقدر هر ضمیر میکنم با آقای ذوالفقاری که آگر بعد از این خواستند بگویی حمله کنند و بکنم اینجا باشد حرفاها یکه ایشان کفند که بندۀ با سرهنگ راجع باین موضوع گفته (یک نکته) دیگر میخواهم بگویم خواهش میکنم اجازه بفرمائید بنابراین من

مجرم هستم و باید زندانی شوم اول بایستی معلمهای مدرسه حقوق مارا برای این کار زندانی کرد اگر یک چنین قضه ای صحت دارد آقای دکتر معظمی اینجا تشریف دارند آقای دکتر مصباح زاده شریف دارند آقای دکتر متین دفتری تشریف دارند (ناصر ذوالفقاری - این آقایان معترضند اسمشان را نمیکند) خواهش مهکنم توهین نکنند والا جواب شایسته بشما خواهش داد هر ضمیر کنم این آقایان در مدرسه حقوق کارشان بعذر قوانین بود معايب و نواقص قوانین را ندانند که باز در مدرسه مورد بحث است موضوع حقوق اساسی و قانون اساسی است که شاید آقای دکتر قاسمزاده استادش هستند وایشان بحث زیاد میکنند هر سال و هر دوره راجع بقانون اساسی که در مقایسه با اسایر قوانین چه اشکالات و ایراداتی دارند اینکه ایشان فرمودند یعنی من گفته بودم باید قانون اساسی ما اصلاح شود دلایل من این است همانطوری که در جلسه اول عرض کردم قانون اساسی ایران وقتی نوشته شد که در تمام مملکت دویست سیصدتا آدم تحصیل کرده بیشتر نبود (محمد علی مسعودی - کمتر هم بود، به کمتر هم بود، آنطوری که مامنند بود). مجلس که داشت تشکیل مبشد مشروطه طلبها یکدسته شان معنی مشروطه را هم نمی فرمودند نمی دانستند مشروطه خورا کی است یوشا کی است اول رفته بودند گفته بودند ماعدالتخانه می خواهیم بعد گفته بودند مشروطه میخواهیم خودشان معانی کلمات را نمی فرمودند یاک چند نفری بین اینها بودند که میدانستند چه میگویند بعدهم مجلس اول که تشکیل شد برخلاف تمام قوانین اساسی دنیا که اصول مملکت داری را تعیین میکند و قواری از هم تفکیک میکند و همیشه در مجلس مؤسسان تصویب میشود حتی در بعضی مواقع در بعضی از ممالک بعد از تصویب مجلس مؤسسان با آراء عمومی مراجعه میکنند مثل فرانسه، اگر آراء عمومی رد کرد دورنمای مجلس مؤسسان تشکیل میشود برای مطالعه اش اگر قبول کردند که قبول میکند الان در فرانسه دو مرتبه اتفاق افتاده (فرامرزی - خیلی از جاهاتم خود مجلس میکنند) هر ضمیر بعضاً جاها در هر حال قانون اساسی که آن روز خواستند توین بگفتن قانون اساسی بلژیک را که مال هفتاد سال بیش از آن بود ترجمه کردند برای اینکه قسمت هایی مراجعت کردند که آن روز مذهبی راهم در آنچا بگفتنند یاک موضوعی را هم نهادند که میتوانند در جلسه اول در آنچا اتفاق افتاده (فرامرزی - خیلی از جاهاتم خود مجلس میکنند) هم در آنچا باز تذکر بدهم و تکرار کنم رفقای گلایانی من که اینجا تشریف دارند آقایانه میتوانند از آنها پرسند چه بوده است در تهران در پانزده روز قبل از حمله آذربایجان یاک در آنچا گنجانندند و قانونی گذشتند که آن روز نطق کردند من که بوسیله رادیو منتشر شد راجع بازدید ایشان متشن هست آنرا هم باز نمیخواهم بعد میدهم به مجلس هر کس میل دارد برود بینند آن نطق را، وقتیکه در رادیو منتشر شد تا سه بهار شب متولی رادیوی تبریز از آن تعارفاتی که با خیلی ها میکرد با من هم کرد، اینها را هم من همینطور فهرست وار میگویم و میگذردم راجع بمسئله هم دیگری که آقای ذوالفقاری در شیخ کردند (اگر راجع باین مطالبی که عرض کرد آقایان نقشی در شاهد کردند بفرمائند توضیح میدهم و دیگر چیزی که بفرمائید) همینقدر توضیح میدهم و دیگر چیزی که بفرمائید) همینقدر توضیح بیشتری خواهش داد (یکی از نمایندگان - نغیر کافی است) راجع بقانون اساسی ایشان فرمودند که بندۀ گفتم قانون اساسی باید اصلاح بشود بازهم ایشان تفسیر میکنند ... (محمد ذوالفقاری - راجع باین موضوع گفته) یک نکته) دیگر میخواهم بگویم خواهش میکنم اجازه بفرمائید بنابراین من

بهر صورت راجع باین قلاده و زنجیرها من تکنیب میکنم و نظر آقایان نمایندگان محترم را به کنند و زنجیرها و جناباتی که پیشه وری آزادیخواه همکار آقای ارسنجانی آزادیخواه در آذربایجان که برسر مردم آورده اند متوجه میسازم . شما چرا آقای ارسنجانی ، آقای سوسیالیست ، آقای آزادیخواه قرن اتم در روزنامه دمکرات ایران مخالفین دولت را بشکل سث وانتقادات مردم را از دولت به عووه سک تشییمه بفرمایید ؟ فسانه کشت و کهن شدحیث اسکندر سخن نوار که نو را حلاوتی است دگر . چرا برای فرار از موضوع پای خود را باین در و آندر میز نیست ؟ چرا عرایض بندهر تحریف بفرمایید ؟ کی من شمارا آزادیخواه دانسته ام که شما از آزادیخواهی تعریف میکنید ؟ کی من از ارتعاع طرفداری کردتم که بارتعاع حمله میبرید ؟ کی من از سوسیالیست بد گفته ام که شما آنرا دودستی میگیرید ؟ کی من از کمونیسم تعریف یاتکنیبی کردتم که شما دنباله بعثت آنچه ام این است که شما طرفدار هیچ نوع حقیقت و مسلکی نیستید و هر روز برنگی در آمدید ، همکار و مدافعان پیشه وری بوده اید ، از افسران فراوری حمایت میکردید انصباط ارشرا از هم می باشدید ، فرار افسران و سربازان فراری را می ستودید آنان را تحریک به تأثیر میکردید ، مردم را به ترد و طفیان برعلیه مرکزیت و قانون اساسی و امنیتی بداند ، بهانه در دست بیگانگان میگذاشتید تاملکت ای ان را دیر تغلیبه حکمید ، برای ورود ارتش های ییگانه دلیل ۲۱ می تراشیدید و فوق العاده منتشر میکردید مدل ۲۱ آذربایجان را از هم قبده احترام میگذارند شما شایسته وایمان و تعصّب در عقیده دارید و نه ایمان نه آزادیخواه هستید و نه مترجم بموقع هم آزادیخواه میشوید و هم مترجم . تاجیانی که آقای بهار مدافع محترم تان نیز بتلوون مزاجت اقرا رمیکنند باین تفاوت کمیفرمایند انجامد فکری خوب بیست و گویا که فکر دوشن جناب عالی روز بروز تاریکتر و منجمدتر میشود تاجیانیکه حق مخالفت بادولت را از ملت ایران سلب میفرمایند و بآن سک خطاب میگنید . عرایض بنده تمام شد و بازهم تکرار میکنم که آقای ارسنجانی و مدافعن ایشان از موضوع خارج شدند و سعی کردند اوقات گرانبهای مجلس را مصروف بعث در اطراف محاسن آزادیخواهی و معایب ارتعاع سازند و حال آنکه هدف عرایض بنده چون دیگری بوده است نه از تراجع و آزادیخواهی . ای ننگ بر آن آزادیخواهی که سر نوشت آن باسر نوشت اعتبار نامه ارسنجانی توأم باشد . آقایان نمایندگان محترم ارسنجانی سعی دارد از مفتراتی دفاع کنند که قابل دفاع میباشد ولی این ضرب المثل واستعمال فرمایید که میگویند مفترات خوب است اما مرده شوی تر کیب را پیرد آنهم تر کیبی که جامع اضداد است . آقای ملت الشعرا بهاریک شعری که در وصف حسن گفته اید سه خط بیشتر نیست مبغوانم :

هر کو دراضطراب وطن نیست
بیچاره و نزند چون من نیست

مرد از عمل شناخته کردد
مردی بشهرت و بسخن نیست

نام ارجمند نهندچه حاصل
آنرا که خلق و خوی حسن نیست

لائق خود من نیز افتخار آشناشی با اورا پیدامینه مورد (ارسنjanی - چشم هر سیمکن) آقای ارسنجانی باید بدانند که در این مجلس مسئله هدم صلاحیت و طرز غیر قانونی انتخاب ایشان مطرح است و نه موضوع فساحت وبلغت بنده فرض مجال که مجال نیست فرض فرمایید عرایض بنده رایک منشی مخصوص یا همان شخصی کفرموده اید تهیه کرده باشند مگر نشینیده اید که از قدیم سنته اند : بنگر که چه میگوید نیزگر که که میگوید (همه نمایندگان) (زنگ رئیس) دماوندی - این آقامربوط بماده ۱۰۹ نیست) امر مسلم این است که آنچه راینده عرض کرده ام ...

نایب رئیس - آفاده حدود ماده ۹۱ بفرمایید .

ذوالفقاری - آنچه را که بن نسبت داده اند باید جواب بگویم .

نایب رئیس - خواهش میکنم فرمایشاتتان را راجع بماده ۱۰۹ بطور اختصار بفرمایید .

ذوالفقاری - آقای رئیس هدفیه از روی ساعت دفت کنید . امر مسلم این است که آنچه را که بنده عرض کرده ام زبان حال ملت ایران است و از زبان بنده نیز خارج میشود و حقایق بزرگی را در بردار دارد که بنظر آقای ارسنجانی دروغ بزرگ هیتلری جلوه کرده است مانند تلوون مزاج سیاسی آقا که حتی مورد تأیید و تمجید جناب آقای بهار مدافع ایشان قرار گرفته است . با جداد من تاختید و آنرا مستبد خوانید و از خداخواستید که این روابط درست باشد (ارسنjanی من کو خواستم؟) که در من تزار و سراب را برای تصرف زنجان دعوت کرده است برای اینها اینکه میباشد نیز دوستان ایران مأبی تان که طبق نوشته خودشان بجنابعالی هم ایمانی ندارند کنند و زنجیری بمجلس آوردن قطعاً شنیده اید که حتی فضایل پدر را به حساب پسر نمیگذارند تاچه رسید بگناه او (ارسنjanی - اصل توارث) در سی چهل سال پیش افکار مردم ایران مثل حالا رشد نکرده بود و بقول معروف از مشروطه تصور نان سنگ و سیخ کباب میکرند ما آنوقت مشروطه نداشتم و اصل آن بود که همه مستبد باشند مگر آنکه خلاف آن ثابت بشود و اما این که از خدا خواسته اید راست باشد که پدر من از تزار برای تصرف زنجان کمک خواسته باشد متأسفم که این آرزو را بگور خواهید برد خوب است که خود تان هم گفته اید که مدرکی در دست ندارید ولی بدانید که هیچ عقل سلیمانی چنین تهمت های ناروائی را نمی بینند بعضی از نویسنده کسان ایران ما که حتی بجنابعالی هم ایمان ندارند که زنجیر ب مجلس آوردن و شما گفتید که آنها را جداد من بکردن رعایا و مخالفین خود می بسته اند چقدر خوب تهمت پیش وری همکار تان و دوزنامه رهبر و ایران ما را تکرار میفرماید یک سال زنجان تحت تصرف و اشغال یاران شما بود و کلیه ما یملک خانواده ها بفارت رفت چطهد ممکن است آنها به بحث خارج از موضوعی بکشانند با اینکه در عرایض کوچکترین اشاره توهین آمیزی بفامیز آقای ارسنجانی نکردام ممهد امتأسفم که مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی اجازه دادند ایشان حدود توهین و دشمن ایجاد اینجا به نیز بر سانند و از همه مهمتر اذعان نمایندگان محترم را از اصل موضوع بشاخ و برگهای خارج متوجه سازند گفتند که عرایض بنده رایکنفر دیگر تهیه کرده و ایشان آن شخص را به شناسند خوب بود نام اورا هم میفرمودند تا

ماده ۱۰۹ استفاده کنند و بعضی از آفایان هم معتقدند که رأی گرفته شود اگر اجازه میدهد رأی بگیریم.

اهمیت - ماحق داریم دفاع بکثیر از خودمان طبق ماده ۱۰۹ و این رأی لازم ندارد.

ذایب رئیس - آفای ذوالفقاری بفرمانی دولی بنده استدعا دارم که مختصر بفرمائید.

ناصر ذوالفقاری - بر ویدور ناسخ التواریخ را بیاورید (بعضی از نایندگان لازم نیست) چون در جلسه گذشته آفای ارسنجانی کتاب آوردند اینجا و خواستند مجلس را تحت تأثیر آن کتاب قرار بدهند من میخواهم ۱۴ جلد کتاب بیاورم اینجا و تحت تأثیر قرار بدهم ...

ذایب رئیس - آفای ذوالفقاری مطابق ماده ۱۰۹ بفرمائید.

ناصر ذوالفقاری - اگر یک کلمه خارج شدم حق اختصار دارید.

ذایب رئیس - ایشان دفاع از خودشان کردند حق داشتند ولی شما

ناصر ذوالفقاری - ایشان راجع با جداد بنده نسبت هایی دادند فرمودند ادعای سلطنت می کردند (ارسنجانی - بنده چنین هرضی نکردم) اجازه بفرمائید ناسخ التواریخ را بیاورند و به یمنند کجاش چنین چیزی نوشته شده که اجداد من مخالفت با دولت مرکزی میکردند اولاً در ناسخ التواریخ چنین چیزی نوشته شده که بیغان زند در ناسخ - التواریخ نیست ناسخ التواریخ ۱۲ جلد است ولی از لحاظ اینکه ناسخ التواریخ هم برای مرتعین خوب است ایشان نخواندند اطلاع ندارند (ارسنجانی - بنده هر چیز کردم که این را گفته ام) ولی بنده افتخار میکنم که اجداد من ادعای سلطنت میکردند نادرشاه، کسری بیغان آغا محمد خان قاجار چطور سلطنت رسیدند؟ در آن موقع که ملوك الطوایف بود همه ادعای سلطنت میکردند جد من ادعای سلطنت میکرد. اما راجع بپرادر بنده بیروز یک کاغذی آوردند در ایشجاشان دادند دیروز آفای ارسنجانی کاغذی را برای نایندگان احترم قرائت کردند که پیش خود بی اندازه به تأثیر آن اطمینان داشتند و خیال میکردند که باین ورقه تاریخ یکساله اخیر ایران را تغییر داده اند این کاغذ را چون کی که سودای وکالت زنجان را بیهوده درس می پخت خدمت ایشان داده است من نمیدانم آفای ارسنجانی این بدشانسی را چگونه تلقی فرموده اند که هر کس میخواهد از او دفاع یا باو کمک نماید بزیانشان تمام میشود آفای بهار ایشان را بپیشه و روی شبیه میفرمایند و آفای نیز کاغذی میدهد که مارا باصطلاح ...

ذایب رئیس - آفای ذوالفقاری استدعا میکنم شما حائزی را که تعریف کردند از طبق ماده ۱۰۹ بفرمائید و دعایت کنید.

ناصر ذوالفقاری - بنده اگر یک کلمه خارج شدم شما اجازه نفرمائید. بنده راجع بکاغذی که ایشان دادند دارم صحبت میکنم. جناب آفای ملک الشعرا بنده استدعا میکنم جنابهایی که در بعضی از جاهای متاثر شده بودید تشریف داشته باشید چون بنده هر ایضی دارم که نمیخواهم عرض کنم بهر صورت قضیه همان است که آنروز هر چیز کردم این کاغذ مربوط بفرجه دموکرات آذربایجان نیست سوابق و

گفت وقتی من فهمیدم تو آدم وطن پرستی هستی که این دو روزنامه را نسبت بتو خواندم و توازدو طرف فحش خورده ای من اعتقاد دارم که اگر کسی بخواهد برای مملکت خودش خدمت بکند وزحمت بکشد نایند هر روز پراهن همان بکند و داد و پیدا راه بیندازد این یعنی ریا و تظاهر ساده بیش نیست هر کس هر کاری میکند تاریخ آنها برایش قضایت میکند مردم چیز فهم برایش قضایت میکند و این دسته مردم که خدمت میکنند فقط متکی باین عقاید هستند. من خیلی مسائل دیگری هم داشتم بنابر نصیحت بعضی از رفقاء نمیگویم و اگر هم در ضمن صحبت های خودم اشاراتی کردم با شخصی که در در مجلس نیستند و یا در مجلس هستند و اینطور تعییر شد که این اشارات اهانت انگیز بوده است، میخواهم بگویم که قصد من این چیز ها نبوده و از آفایان مفترضین خودم هم بسیار بسیار تشکر می کنم که این فرصت را بن دادند که این مسائل طرح بشود اینجا و باز اگر اظهاراتی داشته باشند من میآمیم دنباله صحبت خودم را خواهم کرد. عرض کنم این یادداشت ها را که من اینجا دارم نمیخواهم میگذارم برای بعد هر ایضی خودم را خاتمه میدهم فقط یک خواهش از آفایان دارم خواهش بنده هم این است بنده بیش از اعتبار نامه و بیش از مجلس مقبد یک چیز بودم و آن حیثیت اجتماعی است اگر در مجلس عنوان نکرده بودند اینجور اعترافات که سر تا پا مجعلو بود من هیچوقت حوصله اش را نداشتم اینجا حرف بزنم زیرا نه نطق و بیان خوبی دارم (مکی-شکسته نفسی نفرمائید) و نه حوصله اش را دارم ولی یک مسائلی بن نسبت دادند که توضیح این مسائل از نقطه نظر اجتماعی برای من اهمیت داشت و البته از آن جهت بنده توضیحات دادم و راجع بمن هم همانطور که آفای ذوالفقاری فرمودند چهارمین یعنی از قدیم، روزنامه آتش هم که بیکری هم بودند که با اعترافات ایشان هم مصدداً بودند یعنی از دهه ۱۳۰۰ هجری شمسی که بیکری روزی همکن من راهم کشیده بودند و شدید نار ارسنجان اف از این قبیل هستند عرض کنم خیلی از اینجورها نوشته بودند اینها یک زمینه بدی فراهم کردن که بنده خارجی بودم و طرفدار افاقت قوای خارجی بودم و از این صحبتها تا آنجایی که لازم بودند برایشان خواندم و اگر باز بخواهند میخواهم فقط مطلبی را که من میخواهم عرض کنم این است که آفایان موقعي کمی خواهند قضایت بکنند فقط متوجه حقیقت امر باشند (صحیح است) یعنی دلایل طرفین را کاملاً در نظر بگیرند تحقیق تأثیر نطق و بیان خیلی بلیغ و فصیح نزوند چون صدای من که خیلی بلند نیست اما آفای ناصر ذوالفقاری ملک الشعرا بنده استدعا میکنم رسانست صدایشان که خوب است اینجاهم آمدند نطق پر حرارتی هم کردند و بنده هم ممکن است بکند و بعد باز ممکن است من هم بیایم با این صدای شکسته خودم جواب بدهم چون صدای من رسانیست ولی چیزی که من از آفایان خواهش دارم فقط و فقط این است که موقع قضایت رجوع کنند روی وجدانشان به روی مسؤولات و حب و بعض شخصی خودشان استدعا دیگری هم ندارم.

جمهوری ازهایندگان-رأی . رأی

ذایب رئیس - بعضی از آفایان میخواهند

طبع) به بخشید مطبع . راجع بیدر آقای دکتر مجتبه‌هدی یک حرفی زدن که حق این است من از ایشان دفاع کنم چند روز پیش آفای علی هیئت در منزل آقای حکمت تصادفاً راجع بتاریخ اول مشروطیت ایران که صحبت مبکردن انتخابات دوره اول طبقاتی بود، فرمودند اولین جلسه ای که در آذربایجان برای انتخاب و کلا تشکیل نشد در منزل مرحوم مجتبه‌هدی بود یعنی همان حاجی میرزا حسن آقا اول قرار بود دونفر انتخاب کنند یکی مرحوم حاجی میرزا حسن آقا یکی مرحوم نقابة‌الاسلام شهید ایشان فرموده بودند که سن من اجازه نمیدهد و من یک شخص دیگر را بیندازم و بدر من رادر خوی ایشان معرفی کرد به بودند حالاً بن میگویند من تجمع دیگر بیش از این عرضی نمیکنم ولی بی انصافی کردن است بیک مردی که ۱۵ سال در فرهنگستان خدمتکزار بوده حالاً هم یکسال است مرده و هفتاد سال خدمت کرد پس از هفتاد سال ۴۲ هزار تومان مقروض است و آنهم سر لشگری‌یاضی است، ما هر چه داریم از این ارتضی است امنیت ایران از ارتضی است (صحیح است) ایستادن بینه اینجا در سایه ارتضی است (آشیانی زاده - بارتش کسی توهین نکرد) تأمل کن قربان ما هم حرف نزدیم آقای آشیانی زاده شما هم بعد از من بلند شوید اینجا حرف بزنید، استقلال ایران بسته بارتش است یک افسر اگر خائن بود محکمه اور امضا کمه میکند یک کسی که وزیر بود یک کسی که ۷۰ سال زندگی کرد حق نبود نسبت با تو هین شود خدا رحمتش کنند، بیش از این دیگر عرضی نمیکنم فرمودند ملاقاتی که آنسخون که فعلاً در مجلس است بامن کرد و گفت اگر تو و کیل بشوی اعتبار نامه‌ات را رد میکنند (ارسنجانی - من نگفتم رد میکنند کفتم اعتراض میکنند) نهاد پدرت را پیام‌زد چرا امشش را نگفته‌ید، چرا نفوذ مودید کی بود آن وکیل (ارسنجانی - حرض میکنم) بفرمایید، استدعا میکنم بفرمایید ما استفاده کنیم مقاله‌مرد اموزرا قرائت کردید بینه هم آن مقاله را خوانده بودم اما آن مقاله در سال ۲۲ نوشته شده بود چه مر بوط سال ۲۵ بود و این روزنامه‌های داریا که از هر کدام چند سطر میخوانید (ارسنجانی - چند سطر نخواندم همه‌اش را میخوانم) اگر اجازه بدهید بینه هم میخوانم .

نایاب رئیس - آقای امامی این مر بوط به ۱۰۹ نیست .

نورالدین امامی - تمام مر بوط به ۱۰۹ است همه‌اش ۱۰۹ است تامش ۱۰۹ است ۱۰۹ دنباله‌اش دو قسم است، یعنی توهین کردن، بینه باید هر ایضم را اینجا بکنم قضاؤش بانمایند گان ملت است (در این موقع جلسه از اکثریت افتاد) (بعضی از نمایندگان - اکثریت نیست) .

نایاب رئیس - جلسه بعنوان تنفس ختم میشود جلسه آینده روز سه‌شنبه فردا ساعت هشت و نیم . (مجلس دو ساعت و یکربع بعد از ظهر تشریف ماملاع حرف اکثریت هست) (بعضی از نمایندگان - تنفس تعطیل شد) .

به دید که این موضوع خاتمه بیدا کند) آقای فرامرزی فرمودند اسلحه اقبالت زبانش است (رسوی - اسلحه اکثریت هم زبانش است) ما حق داریم از ماده ۱۰۹ استفاده کنیم اجازه بفرمایید استفاده کنیم و زیاده‌هم حرف نمیزیم اما بشرط اینکه هو و جنجال نکنید هو هم میخواهید بکنید من از میدان در نمیزیم خدا رحمت کند مرحوم رضا شاه یک تشکیلاتی قبل از شهریور ۲۰ دو این مملکت داده بود تشکیلات زیادی که اکثرش بنفع مملکت بود یکیش هم فرهنگستان بود مقصد از این فرهنگستان این بود که لغات قدیمة عربیها بردارند از زبان فارسی و لغات فارسی بکنارند ...

نایاب رئیس - راجع به ماده ۹۰ بفرمایید .

امامی - آقا این همه‌اش ۱۰۹ است این مقدمه است نتیجه اش ۱۰۹ است . شهریور ۳۲۰ تمام را وازن گون کرد فرهنگستان که رفت . بعضی ها خودشان بکفرنگستان درست کردند از این فرهنگستان مقصود این نبود که عربیها را بردارند و فارسی بکنارند مقصود از این فرهنگستان این بود که بشنیزند برای خودشان لغت درست کنند بندروا هم مثل‌کردن مترجم . من کی هستم؟ این بنایی که آقایان زیرش نشسته اند یورمن خریده متمم قانون اساسیها یورمن نوشته، قانون محاکمات را یورمن نوشته حالاً میگویند بنده مترجم . بزرگ ترین افتخار یکه نصیب یکی از فامیله‌ای ایران شده این است که یک پدر سه پسر بیشتر سه هم اینجا خدمتکزار ملت است، ۴۲ سال پرچمدار آزادی و مشروطیت بودیم (بعضی از نمایندگان - راجع به ماده ۱۰۹ بفرمایید) اجازه بفرمایید عرضم را تمام کنم بازم از ۱۰۹ اشاره خواهیم کرد . آن وقت میگویند که ارجاع میخواهد از آزادی انتقام بگیرد ما قائلیم باین حرف و آقای ملک استاد ما است فرمایش اشان برای ما مطلع است ولی این ارجاع و آزادی در همان فرهنگستان درست شده آن فرهنگستان منی که در هفت سه‌ان یک ستاره ندارم مترجمم ولی آنها که دیرور یکشاهی نداشته و امروز میلیارد در هستند آزادی‌خواهستند؟ آقای ارسنجانی که از هر کدام چند سلطنتی نداشت و امروزه ولی آنها که دیرور یکشاهی نداشته و امروز میلیارد در هستند آزادی‌خواهستند؟ آقای ارسنجانی فرمودند برای محکمه بزرگ حاضر شده اند ما فائلیم خود آقا هم شاهدند برخلاف آن بیانات اشان که آنروز فرمودند کوچکترین نظری بشرافتی بوجود آمد . نویسنده خوبی گوینده خوبی هستی ماشاء الله ولی من عقیده ام این است که اینجا جای این حرفها نیست نویسنده کی خوب است در روزنامه داریا گویندگی انشاء الله در خارج (کلبادی - وطن پرستی در اینجا) بعضی جمله ها فرمودند، فرمودند ناطق ها دو دسته اند یکی آزادی‌خواه یکی مرجع من حرفی ندارم قضاؤت این بامجلس شورای ملی است همان معاهده تاریخی امروز است باید ملت قضاؤت بکنند حق را از غرض تشخیص بدهد رأی اکثریت قاطع است والا آنوقت اگر شما با اکثریت و کیل شدید اویں و کیل که بشماربریک میگوید من هست همین آقای مشایخی که من با ایشان مخالف بودم وقتی اعتبار نامه‌شان قبول شد اولین یادداشت را خودم فرستادم آنوقت دیگر ملت و اکثریت او را و کیل شناخته اند ما حرفی نداریم آورده (قبادیان - یک جلسه فوق العاده امروز تشکیل

اما راجع بروزنامه اگر اجازه میفرمایید (همه نمایندگان) اجازه بفرمایید چون یک عدد از آقایان را دیدم وقتی که آقا ارسنجانی مقاله راجع به آذربایجان را میخواندند با کمال تاثر از اینجا تشریف بردن بیرون این است که من خیلی مایل بودم این قسمت‌های روزنامه را که آقا نوشته‌اند بخوانم (بعضی از نمایندگان - لازم نیست) لازم است چون ایشان هرچه که به نفع خودشان بود خوانندند .

نایاب رئیس - آقای آشیانی زاده .

آشیانی زاده - در جلسه اکنون آقای شریعت زاده نسبت باین ماده ۹۰ یک شرح مبسوطی فرمودند که مورد تصدیق مجلس و آقای رئیس واقع شد برای اینکه ماده ۱۰۹ اگر بنایاشد یکساعت در اطرافش بعث شود . آقا ذوالقاری باز تمام اظهارات اشان را تکرار کردند و ممکن است باز آقا ارسنجانی بروند بیشتر بیرون و جواب آنها را دوباره بدنه، این وضع نمیشود .

نایاب رئیس - آقای شریعت زاده .

شریعت زاده - حرض کنم بنده اخطار روز قبل را تجدید میکنم با اضافه یک چیزی . اخطار جلسه قبل بنده راجع باین بود که نایاب در مجلس از ماده ۹۰ سوء استفاده کرد و مطالubi که مشمول آن ماده نمی‌باشد گفت - این یکی، اخطار دوم اخطار اصولی است و آن این اینجا مانندیت محکمه قضائی است باید آخرین دفاع از آن کسی که بر عله او اعتراض شده است و اینهم صحبت شده است بشود و نبایستی اخطار نظام‌نامه کلیه استدلالات قبلی را بر عله ارسنجانی تکرار کرد (صحیح است) بنا بر این من اجازه میخواهیم که برای آخرین دفاع از این جوان توضیحاتی بدهم .

نایاب رئیس - اگر آقای اجازه می‌هند نظر

به پیشنهادی که آقا شریعت زاده کرده اند آخرین دفاع از آقا ارسنجانی در چند کلمه شنیده شود .

دکتر اعتبر - پیشنهاد ختم جـ . رایخواند که بر همه چیز مقدم است .

نایاب رئیس - پیشنهادی هم برای ختم

جلسه رسیده است که قرائت میشود: پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود (دهقان)

امینی - مخالفم .

نایاب رئیس - آقای امینی مخالفید، بفرمایید .

امینی - بطور قطع و مسلم پس از دفاعی که آقا ارسنجانی کرده است مجلس حاضر است برای قضایت با اینکه فردام برنامه دولت مطرح میشود و چندین روز در شر صحبت میشود بنده استدعا میکنم قضیه‌را امروز تمام کنید . (صحیح است) .

نایاب رئیس - استرداد کردید آقا دهقان

دهقان - بله بنده قبل از صحبت آقا امینی استرداد کردم .

نایاب رئیس - آقا نورالدین امامی فرمایش

دارید بفرمایید؟

امینی - دو مخالف که نمیشود آقا صحبت کند .

امینی - چه شد که وقتی ۱۰۹ را آقایان صعبت میکند کسی حرف نمیزند (دکتر امینی - دو بعد از ظهر است) سه ربیع بعد از ظهر تشریف آورده (قبادیان - یک جلسه فوق العاده امروز تشکیل